



گفت‌وگو با لیلا توکلی، آموزگار خلاق پایه اول ابتدایی!

خشاب‌گذاری قبل از حمله کرونا

اشاره

لیلا توکلی سابقه ۲۸ سال معلمی در دوره دبستان را دارد که ۱۶ سال از آن در پایه اول گذشت. وی در سال ۱۳۷۲ پس از گذراندن تحصیل در دانش‌سرای مقدماتی، تدریس را آغاز کرد. سپس در دوره کارشناسی رشته آموزش ابتدایی پس از آن و در دوره کارشناسی ارشد نیز در رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه علامه طباطبایی (ره) فارغ‌التحصیل شد. کتاب‌هایی کمک آموزشی مثل تکالیف لقمه‌ای، لقمه‌های تابستانه و لقمه‌های عیدانه از جمله آثار این معلم حرفه‌ای و نوآور است. توکلی اکنون معلم پایه اول دبستان دخترانه شهید دکتر بهشتی در منطقه یک تهران و همین‌طور از معلمان مدرسه تلویزیونی ایران است. لیلا توکلی معلمی دوست‌داشتنی، مهربان، صبور، خلاق، کارآمد و متخصص است که آماده مواجهه با چالش‌هاست و در مقام یک فناور آموزشی نیز خوش درخشیده است. از این‌رو در دفتر مجله گفت‌وگویی با وی ترتیب دادیم که خلاصه آن را در ادامه می‌خوانید:

● در دوران کرونا چگونه از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تدریس بهره می‌برید؟ وجه تمایز محتوای آموزشی تولیدی شما با سایر همکارانتان در چیست؟

● من از سال ۱۳۹۰ با راه‌اندازی وبلاگ «مدرسه آبی»، بیشتر فعالیت‌هایی را که در کلاس انجام می‌دادم، در قالب بسته‌هایی آموزشی که تولید خودم بودند، برای استفاده همکاران و اولیا به صورت رایگان به اشتراک گذاشتم. به تدریج سعی کردم محتواهای غنی‌تر و تعاملی تولید کنم. هنگام تعطیلات آلودگی هوا و بارش برف، به صورت دوره‌ای و در فضای مجازی به دانش‌آموزانم تدریس می‌کردم. از این‌رو در دوره کرونا، بدون اینکه کسی از من بخواهد، بلافاصله با آمادگی کارم را در فضای مجازی ادامه دادم. به جز مشارکت گروهی که مبنای کار من در کلاس‌های حضوری بود، سایر برنامه‌هایی را که در کلاس حضوری داشتم، از طریق فضای مجازی دنبال کردم. بچه‌ها موظف بودند مطابق آنچه تدریس می‌کنم، تکالیف عملکردی و کارهای خلاقانه خود را در قالب‌هایی چون فیلم، عکس، روزنامه دیواری، پاورپوینت و فایل صوتی با کمک اولیا ارسال کنند. همراه با ارسال فیلم تدریس، هدف آموزشی آن را برای اولیا می‌نوشتم و ابزارهای لازم را هم معرفی می‌کردم. این کار باعث می‌شد اولیا هنگام کار با بچه‌ها در منزل بهتر و دقیق‌تر عمل کنند.



صوت بخشی از این گفت‌وگو (۲)

صوت بخشی از این گفت‌وگو (۱)

اطلاعات این فرصت وجود داشت تا دانش آموزان چندین بار محتوای آموزشی را ببینند. اولیا نیز اعلام می کردند ما خودمان هم فیلم های آموزشی را می بینیم تا به فرزندمان کمک برسانیم. در حوزه ارزشیابی نیز محتواهای ساده تعاملی در محیط پاورپوینت درست کردم تا این تکرار و تنوع به آنان کمک دهد.

● **تدریس در فضای غیربرخط، برخلاف فضای برخط نیازمند یادگیرندگانی است که روحیه خودیادگیری دارند. با توجه به اینکه دانش آموزان شما پایه اول بودند و هیچ تجربه ای از حضور در کلاس درس نداشتند، برای ترغیب دانش آموزان خود به یادگیری و ایجاد انگیزه چه سازوکاری داشتید؟**

● کارم را متنوع ارائه دادم و از ابزار و بازی های آموزشی استفاده زیادی کردم. سعی کردم از دیگران ایده و یاد بگیرم، اما از کار دیگران تقلید نکنم. آموزش را با در نظر گرفتن سبک های یادگیری و هوش های چندگانه بچه ها طراحی کردم. از جمله اینکه برای ایجاد انگیزه و جلب توجه بچه ها از روش های متنوعی چون سؤال، معما یا چیستان، کاردستی، داستان، شعر، بازی، انیمیشن، تقلید صدا، نمایش عروسکی یا نمایش واقعی و حتی لباس استفاده می کردم. برای مثال، برای تدریس نشانه «ژ»، لباس زنبور پوشیدم و بعد از بررسی زندگی زنبور وارد درس شدیم. برای تدریس نشانه «عین» با عروسک انگشتی نمایش اجرا کردم. اولیا می گفتند فرزندشان گاهی در روز تعطیل وقتی از خواب بیدار می شود، می پرسد: «امروز خانم چون چیزی نفرستاده؟» این دانش آموز به خودیادگیری رسیده که مشتاق ادامه یادگیری اش است. گاهی معلمان با وجود اینکه از نرم افزارهای جدید استفاده می کنند، تنوع در کارشان دیده نمی شود. زمانی معلم نشانه الفبای فارسی را فقط با یک داستان یا شعر آموزش می دهد و فرصتی برای اکتشاف به بچه ها نمی دهد. شعر و موسیقی خیلی خوب است، اما آیا سبک یادگیری همه دانش آموزان شنیداری است؟ شعر می تواند تکمیل کننده آموزش باشد، نه اینکه همه آموزش در شعر خلاصه شود.

● **برای ارزیابی کیفیت یادگیری دانش آموزان و عملکرد آن ها از چه تکنیک هایی استفاده می کنید؟**

● خوشبختانه ارزشیابی توصیفی بود و می توانستم از ابزارهای متعددی استفاده کنم. ابتدای سال تحصیلی به اولیا اعلام کردم همه تکالیف، پروژه ها، آزمون ها و هر فعالیتی که دانش آموز انجام می دهد، در ارزشیابی توصیفی عملکرد او مؤثر خواهد بود. از آن ها خواستم پوشه کار الکترونیکی برای فرزندشان درست کنند. در آزمون های عملکردی، مثل کاشت دانه، بچه ها می توانستند انتخاب کنند گزارش خود را در قالب هایی چون فیلم، عکس، نقاشی یا توضیحات شفاهی ارسال کنند. همه تکالیف و پروژه های عملی دانش آموزان در گروه کلاسی در برنامه شاد قرار می گرفت تا بچه ها از هم الگو بگیرند.

سادگی، روانی، تنوع، مخاطب شناسی و صمیمیتی که سعی داشتیم در کارم باشد، موجب شد کارم بیشتر در دل مخاطبان بنشیند. در محتوایی که تولید می کردم، استفاده از المان ها و کاراکترهای جذاب برای بچه ها را در نظر داشتیم. همکاران و اولیا به من می گفتند مخاطب را می شناسی و خیلی راحت صحبت می کنی: «چون که با کودک سر و کارت فتاد، پس زبان کودکی باید گشاد».

● **محتوایی که در دوران کرونا تولید می کردید، با محتوای تولیدشده شما در گذشته چه تفاوتی دارد؟**

● قبل از کرونا، تدریس را با تعامل با دانش آموزان در کلاس حضوری انجام می دادم که با فعالیت های اکتشافی دانش آموزان به صورت گروهی همراه بود. محتواهای الکترونیکی که تولید می کردم، با هدف تکمیل آموزش های کلاسی و پرداختن به انواع سبک های یادگیری بود. اما در دوره کرونا تولید محتواهای آموزشی به اصل کار من تبدیل شده بود و شامل همه مراحل تدریس می شد. بنابراین سعی کردم محتواهایی جاندار و تعاملی تولید کنم. همچنین در این شرایط، برای اینکه بچه ها بتوانند راحت تر از راه دور با من ارتباط عاطفی برقرار کنند، سعی کردم در تولید فیلم های آموزشی از چهره خودم هم فیلم برداری کنم. از دغدغه های بزرگ من این بود که هیچ اشتباهی در کلیپ آموزشی نداشته باشم. به همین خاطر گاهی مجبور بودم فیلمم را چند بار ضبط کنم. تا جایی که به علت حجم کاری زیاد، مشکل جسمی هم پیدا کردم. لازم است وزارت آموزش و پرورش در این زمینه توانمند عمل کند تا همه دغدغه معلم ساخت کلیپ آموزشی نباشد. معلم کارگردان یا فیلم بردار نیست. بهتر است آن قدر کلیپ خوب و هدفمند وجود داشته باشد که معلم با توجه به هدف و روش تدریس خود، از بین آن ها انتخاب و آموزش خود را کامل کند.

● **چگونه از فناوری اطلاعات برای تمایز آموزش و پشتیبانی از دانش آموزانی که اختلال یادگیری دارند، استفاده می کنید؟**

● آنچه من در حوزه اختلال یادگیری خیلی به آن پرداختم، طراحی بازی آموزشی بود. در کلاس حضوری، این فرصت را که در یک بازی از همه بچه ها استفاده کنیم نداشتیم. اما در فضای مجازی، با کمک فناوری و ارتباطات بازی و نحوه تولید آن را به اولیا آموزش می دادم تا همه بچه ها فرصت انجام آن را داشته باشند. سال های قبل یکی از مشکلاتمان این بود که اولیا این موضوع را که فرزندشان اختلال یادگیری دارد و باید آموزش ویژه تری ببیند و به مشاور مراجعه کند، نمی پذیرفتند. اما در آموزش های مجازی، چون اولیا درگیر آموزش فرزندشان بودند، متوجه مشکل می شدند. همچنین، ممکن بود معلم در کلاس های حضوری پرجمعیت فرصت رسیدگی بیشتر به دانش آموزان خاص را نداشته باشد، اما با کمک فناوری

با استفاده از ابزار و بازی های آموزشی تدریس را ملموس و عینی کردم



فعالیت‌های ارسالی دانش‌آموزان را با دقت می‌دیدم و بازخوردهای متنوع می‌دادم. اگر دانش‌آموزی به بازآموزی نیاز داشت پیشنهاد می‌کردم محتوای تدریس را دوباره ببیند.

در آزمون‌های مدادکاغذی که بچه‌ها در منزل پاسخگو بودند، اشتباه خیلی کم بود. شاید به این خاطر که در منزل آرامش داشتند و حواسشان پرت نمی‌شد. با این حال، برای اینکه از دستیابی دانش‌آموزان به اهداف آموزشی اطمینان پیدا کنم، در پایان سال به مدت دو هفته در مدرسه حضور پیدا کردم و با اختصاص وقت یک ساعته به هر دانش‌آموز، عملکردشان را ارزیابی کردم و تریدهایم برطرف شد.

● یادگیرندگان پایه‌های اول و دوم را که براساس مراحل رشد شناختی در مرحله عملیات عینی قرار دارند، چگونه در فرایند تدریس درگیر می‌کردید؟

● با استفاده از ابزار و بازی‌های آموزشی تدریس را ملموس و عینی کردم. بازی حس خوبی به بچه‌ها منتقل می‌کند و علاوه بر عینی‌سازی آموزش، یادگیری را برای بچه‌ها لذت‌بخش می‌کند. طی سالیان گوناگون بیش از ۵۰ دست‌سازه را به‌عنوان بازی و ابزار آموزشی برای کلاس آماده کردم و برای استفاده همکاران و اولیا به اشتراک گذاشتم. تنوعی از کارهای عملی را در ارائه گزارش و تکالیف دانش‌آموزان در نظر می‌گرفتم تا بچه‌ها فرصت مشاهده و تجربه داشته باشند. برای مثال، در آموزش اعداد، بچه‌ها باید عدد دو را با چینه، چوب‌خط و روی محور نشان می‌دادند و مصداق‌های عدد دو را در اطراف جست‌وجو می‌کردند و هر آنچه را که دوتایی بود پیدا می‌کردند و به‌عنوان کار عملی می‌فرستادند.

● عملکرد مدرسه تلویزیونی ایران را در آموزش دبستانی‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● ما در تدریس تلویزیونی محدودیت زمانی، فناوری و ابزار داشتیم. تدریس را که لازم بود طی سه روز انجام شود، باید در بیست دقیقه آموزش می‌دادیم. فرصت استفاده از همه ابزارهایی را که برای عینی‌سازی تدریس با خود به استودیو می‌بردیم، نداشتیم.

بنابراین، با مشورت همکاران تصمیم گرفتیم در هر تدریس فقط از یک ابزار استفاده کنیم. در مورد بازی‌هایی که به بچه‌ها و اولیا معرفی می‌کردیم، فقط توضیح می‌دادیم و فرصت نداشتیم حتی یک بار هم خودمان آن بازی را جلوی دوربین انجام دهیم. برای درگیر کردن بچه‌ها سؤال می‌پرسیدیم، اما به‌خاطر محدودیت زمانی، قبل از اینکه بچه‌ها فرصت فکر کردن داشته باشند، مجبور بودیم سریع خودمان به سؤالان جواب بدهیم. در غیر این صورت به ادامه درس نمی‌رسیدیم. از مزایای مدرسه تلویزیونی امسال این بود که تدریس‌ها علاوه بر سامانه تلویزیون، در اینستاگرام نیز به اشتراک گذاشته می‌شد. مدرسه تلویزیونی، به‌ویژه در مناطق محروم که دانش‌آموزان به تدریس معلم خود دسترسی نداشتند، بازخورد خوبی داشت و بچه‌ها از این طریق یاد گرفتند.

● به نظر شما معلمان باید خود را به چه مهارت‌هایی مجهز کنند؟

● آگاهی معلم از روش‌های تدریس و چالش‌های آن و توانمندی عمومی و تخصصی معلم، سلاح وی به حساب می‌آید. معلم باید با کاربرد فناوری اطلاعات در آموزش آشنا باشد، روان‌شناسی رشد کودک و نحوه مدیریت کلاس را بداند، تفاوت‌های فردی را در نظر بگیرد، انواع روش‌های تدریس را بلد باشد تا فقط از یک روش استفاده نکند، فن بیان خوبی داشته باشد و روش‌های تولید محتوا را بشناسد. به معلمانی که برای تدریس در فضای مجازی نگران بودند، می‌گفتم ببینید چی بلد هستید، خودتان را در آن قوی کنید. اگر چیزی بلد نیستید، یک نرم‌افزار یاد بگیرید و روی همان نرم‌افزار مسلط شوید. می‌توانید از انیمیشن آماده یا تدریس سایر معلمان هم برای تکمیل آموزش خود استفاده کنید، اما این‌طور نباشد که خودتان تدریسی نداشته باشید.

همچنین، معلم باید در اولیا و بچه‌ها نفوذ کلام داشته باشد. جلسه اول دیدار با اولیا، جلسه طلایی است. من در این جلسه با یک پاورپوینت عالی توضیحات لازم را به اولیا می‌دهم. به این ترتیب، آن‌ها به دید متخصص به من نگاه می‌کنند و می‌گویند: «ما خوشحالیم که فرزندمان را دست شما می‌سپاریم.»

● ما هم خوش‌حالیم که تجربه‌های ارزشمندتان را با ما به اشتراک گذاشتید.

طی سالیان گوناگون بیش از ۵۰ دست‌سازه را به‌عنوان بازی و ابزار آموزشی برای کلاس آماده کردم